



گفتگوی سه ساعته سینما تئاتر با

جمشید مشایخی

زمانی که کار تئاتر را شروع کردم دنبال شهرت و نام و پول نبودم

مهندسی کارخانجات مهمات سازی ارتش بود و مادر آنجا زندگی می‌کردیم. هر وقت که ما به تهران می‌آمدیم به عشق دیدن تئاتر بود. به هر حال تئاتر را از مدرسه بدون مربی و به صورتی خودجوش شروع کردیم، البته معلم‌ها جدا از مسئله تئاتر، ذر بخش‌های دیگر خیلی به ما کمک می‌کردند، کارهای آن دوره سخت مورد توجه قرار گرفت. با وسایل خرد و ریز، مثل پتوی سربازی و تخت و غیره نمایش را تزئین می‌کردیم و داستان‌ها و نمایش‌هایی که فاقد جنبه‌های دراماتیک بود. جالب این است که با آن همه نقایص، کارها خیلی مورد استقبال قرار می‌گرفت و ما تشویق می‌شدیم.

□ در واقع بدون گذراندن دوره علمی کارتان را شروع کردید؟

■ آن موقع هنوز کلاس‌های تئاتری به صورت جدی وجود نداشت. به هر صورت، ما کارمان را به همین روال ادامه دادیم تا اینکه دوران سربازی تمام شد، تقریباً سال ۱۳۳۶ بود. در آن دوره اداره تئاتر تازه تأسیس شده بود. بنده اولین کارمند این اداره شدم، البته نه پرسابقه‌ترین، بلکه اولین از نظر استخدام اداری، البته در همان ایام بودند گروه‌های دیگری که فعالیت می‌کردند.

□ جدا از اداره تئاتر؟

■ بله، گروه هنر ملی بود که به سرپرستی سرکیسیان شکل گرفت، گروهی که در واقع حرفه‌ای نبودند و به نوعی کار غیر حرفه‌ای و آماتور می‌کردند.

□ آماتور، منظورتان کارهای ابتدایی و...

■ نه، آماتور نه از نظر به اصطلاح کارهای ابتدایی، بلکه بیشتر به گروه‌هایی که حرفه‌ای نبودند، یعنی از طریق تئاتر امورتشان را نمی‌گذراندند، نمایش‌های آن‌ها در واقع اگر درآمدی هم داشت در

□ فکر می‌کنم اکثر خوانندگان مجله با شما آشنایی داشته باشند. در نتیجه از سوال کردن‌هایی کلیشه‌ای و رایج پرهیز می‌کنیم و به عنوان اولین سوال برای خوانندگان سینما تئاتر بفرمایید چطور شد که به دنیای تئاتر وارد شدید؟

■ بچه که بودم، خیلی سال‌های پیش، در سینما فیلم‌ها را با صدای اصلی نمایش می‌دادند، ماکه زبان را نمی‌فهمیدیم برایمان جذابیت نداشت.

برای اولین بار نمایشی را دیدم به نام فاجعه رمضان که در سالن تاپستانی تئاتر تهران اجرا می‌شد. در این نمایش تأثیر خوبی و بدی و انتخاب پیروزی خوبی مطرح بود، شب آدم در هر سن و سالی که باشد دوست دارد که خوبی غلبه کند. به قدری این نمایش حس و حال داشت که من شدیداً تحت تأثیر آن قرار گرفتم و فکر می‌کردم در آن شرایط و دوره کم سن و سالی، چقدر خوب است که از این راه، یعنی تئاتر، بشود به مردم آموزش داد، حرف‌هایی که در شرایط عادی نمی‌شد عنوان کرد، در صحنه تئاتر به راحتی می‌توان آن‌ها را مطرح کرد و تأثیرگذار هم هستند.

تئاتر آن دوره خوب بود، تئاتری که اوایل از لاله‌زار شروع شد. و کسانی مثل مرحوم تفکری، سارنگ و رفیع حالتی در آن‌ها بازی می‌کردند، البته بعدها وضع تئاتر لاله‌زار به انحراف کشید شد.

ما زمانی که کار تئاتر را شروع کردیم، دنبال شهرت و نام و پول نبودیم. دورانی که پیشکسوت‌های ما وضع بدتری داشتند و در شرایط سختی زندگی می‌کردند اما عشق و علاقه آن‌ها به تئاتر باعث می‌شد که دوام بیاورند. همین مسئله، یعنی شدت عشق و علاقه و ایثار آن‌ها باعث شد که ما هم تئاتر را انتخاب کنیم.

در آن زمان هم تئاتر لاله‌زار شروع کردیم. در مدرسه عضو گروه نمایش بودم، مدتی که ما در پارچین بود. پدرم افسر

□ و بعد...؟

■ بله، سال ۱۳۳۶ استخدام شدم. در آن موقع رئیس اداره تئاتر آقای دکتر فروغ بود. از من پرسید که تئاتر را دوست دارید؟ و من گفتم که از دوران بچگی کار کرده‌ام. در همان بدو ورود به اداره تئاتر و آغاز کار با رکن‌الدین خسروی که معلم آموزش و پرورش بود آشنا شدم. دوستی ما با ایشان بعدها ادامه پیدا کرد. آقای خسروی دوره تئاتر را گذرانده بودند و مطالعات شخصی زیادی هم داشتند. من جدا از این که با آقای خسروی دوست بودم، در واقع شاگرد خصوصی ایشان هم بودم. چندی بعد آقای شنگله که دوره هنرستان تئاتر را دیده بود به اداره آمد.

□ پس در همین ایام احتمالاً به صورت حرفه‌ای کارتان را شروع کردید؟

■ درست است، با آمدن آقای شنگله و سایر دوستان اوضاع بهتر شد. آقای شنگله عاملی بود که ما کارمان را شروع کنیم، نمایش بود به نام وظیفه پزشکی اثر لونیچی پیراندلو به کارگردانی آقای علی نصیریان. بعدها نیز بیشتر با رکن‌الدین خسروی و جعفر والی کار کردم. نمایش چوپ به دست‌های ورزیل را نیز به کارگردانی آقای والی روی صحنه آوردیم.

دانشکده تئاتر راه افتاد و من هم رفتم، اما به خاطر مشکلات زندگی نتوانستم ادامه بدهم و نیمه‌کاره دوران دانشجویی را رها کردم.

یکی از خاطره‌های خوب این دوره، اولین باری بود که ما به خارج از کشور می‌رفتیم.
□ خارج از کشور؟

■ بله، کاری بود در گروه هنر ملی به سرپرستی آقای عباس جوانمرد که برای حضور در فستیوال تئاتر پاریس آماده کرده بودیم. دو نمایش قصه ماه پنهان و غروب در دیاری غریب نوشته آقای بهرام بیضایی.

ما اولین باری بود که در یک فستیوال تئاتر خارجی شرکت می‌کردیم. یاد می‌آید که در آن فستیوال آقای زبیرلی با نمایش رومنو و ژولیت کار کرده بود. خانم آنامانی در آن کار بازی می‌کرد که بازی درخشان ایشان تا مدت‌ها ذهن مرا مشغول کرده بود.

در آن جا تئاترهای زیادی که اجرا می‌شد دیدیم، به آقای لایق گفتم؛ جمشید اگر تئاتر این است که ما اینجا می‌بینم، ما دیگر چه کاره‌ایم، برویم تهران و دیگر کار تئاتر را کنار بگذاریم. جمشید گفت: این‌هایی که در فستیوال هستند بهترین‌ها می‌باشند و باید کارهای دیگر را نیز دید. دوزخ اثر سارتر روی صحنه بود و به حق کاری که حمید سمندریان در ایران کرده بود بهتر از اجرای آن‌ها بود، و همین مسئله باعث دلگرمی من شد. بعد از برگشت از سفر خارج، کار تئاتر را بیشتر در تلویزیون دنبال کردم. سالن کوچکی بود که دکتر فروغ اصرار داشت درست بشود و در آن اجرای صحنه‌ای داشته باشیم. کار تئاتر را ادامه دادیم و در نمایش‌های مختلف بازی می‌کردم. بعدها تالار ۲۵ شهریور شکل گرفت. آن موقع‌ها زنده یاد جلال آل محمد در مقاله‌ای نوشته بود که چرا این تالار ۲۵ شهریور نام گرفته است، نامه را آقای جعفر والی به من دادند. بعدها در سال ۵۸ که مسئولیت اداره تئاتر به عهده بنده بود، قرار شد نام تالار ۲۵ شهریور عوض بشود. هر کس با توجه به دیدگاهی که داشت، گروه‌های چپ و راست و غیره پیشنهاد اسمی را برای تالار می‌دادند.

در نهایت برای اینکه کار نامگذاری سالن با جریانات سیاسی و گروهی ادغام نشود. نام تالار را سنگلج گذاشتم.

□ حالا که بحث در مورد سیاست شد، سوال من این است که از دیدگاه شما هنر و سیاست دو مقوله جدا هستند یا خیر؟

■ منظور من این نیست که هنرمند سیاست را نداند و نفهمد. من معتقدم که هنرمند حیفاست که عضو یک حزب و یا گروه سیاسی باشد، مثالی بزنم حالا اسم نمی‌برم، ما داشتیم هنرمندانی را که عضو حزب و گروه سیاسی بودند. آن حزب می‌خواست که فلان هنرمند در اثرش دیدگاه سیاسی و در نهایت شعار دادن به نفع آن حزب را داشته باشد و کارگردان مجبور بود بخاطر وابستگی به حزب علیرغم میل باطنی خودش عمل کند و یا کسی مثل نوشین را داشتیم که زیر بار سیاست نمی‌رفت و حرف حزب را قبول نمی‌کرد، گفته بود من هنرمندم و مسائل سیاسی و حزبی باید به جای خودش محفوظ باشد.

□ آیا اعتقاد دارید سیاست باید در خدمت هنر باشد و یا برعکس؟

■ من فکر می‌کنم ما در سیاست با چیزهایی برخورد می‌کنیم که به شدت با هنر مخالف است. اصلاً آدم سیاسی و آدم هنرمند، هر کدام در یک وادی خاص هستند. نقل قولی از تولستوی برای شما می‌گویم، ایشان می‌گوید که راست‌گوترین فرد در جامعه هنرمند است، اما در سیاست اینطور نیست همیشه به نوعی دروغ و درویی وجود دارد، سیاست تا جایی که به نفع جوامع بشری و انسانی باشد قابل قبول است. از همین رو برای اینکه تعادلی بین هنر و سیاست بوجود بیاید، اعتقاد دارم که هنرمند تا جایی باید با سیاست ارتباط داشته باشد که اسیر آن نباشد، هنرمند نباید مبتذل باشد و از سویی نوگرایی بسیار لازم است. هنرمند باید شعور سیاسی داشته باشد و آنچه که انسان را به حقیقت و فضیلت برساند به آن نزدیک شود. حال ممکن است شما بپرسید تعریف شما از حقیقت و فضیلت چیست؟ درست است، ما می‌توانیم بی‌نهایت فضیلت و حقیقت داشته باشیم و از همین جاست که آزادی مفهوم پیدا می‌کند.

ما باید به جایی برسیم که حرف مخالفین عقیده‌مان را گوش کنیم و به آن بها بدهیم. در این صورت شاهد بوجود آمدن مدینه فاضله هستیم.

لا برخی معتقد به حد متوسط شعور تماشاگر و مخاطب هنری هستند اما پيسکاتور و راینهاارد معتقدند که شعور متوسط به درد هنر نمی‌خورد؟

■ حافظ را به عنوان یک هنرمند والا قبول داریم یا نه؟ شما کافیست ۲۰ نفر را با سلاقی و دیدگاه‌های مختلف انتخاب کنید و شعر حافظ را برای آن‌ها بخوانید هر کدام به تناسب فهم و شعور خود برداشت خاصی دارند. یک پیرزن بی‌سواد هم چیزی از آن درک می‌کند. همینطور یک استاد دانشگاه و یا یک حافظ شناس هر کدام به اندازه فهم و شعور خودش توشه برمی‌دارد.

□ صحبت از زنده یاد جلال آل احمد به میان آمد. ظاهراً این مبحث در

مورد تئاتر نظراتی داشته‌اند؟

■ بله، ایشان حتی در سالن سنگلج می‌آمدند و گاهی هم نقد می‌نوشتند، جای آقای جعفر والی خالی است. اگر ایشان بود، نقدها را هم می‌توانست ارائه دهد. چیزی که زنده یاد آل احمد می‌نوشتند، بیشتر یک نقد حسی بود، نه به عنوان منتقد حرفه‌ای تئاتر، اما در همین حال نیز وقتی ایشان برای دیدن نمایش می‌آمد، ما می‌ترسیدیم که مبادا چیزی بنویسد و فردا همه چیز به هم بخورد.

من فکر می‌کنم ما در سیاست با چیزهایی برخورد می‌کنیم که به شدت با هنر مخالف است. اصلاً آدم سیاسی و آدم هنرمند، هر کدام در یک وادی خاص هستند.

متأسفانه الان هر کسی پولدار است آمده بازیگر شده. فلان کس صرفاً به خاطر پول و در حالی که استعداد ندارد بازیگر سینما شده است. حرمت هنر بازیگری از بین رفته است.

□ در مورد ورود به صحنه تئاتر گفتید که با دیدن نمایش به نام فاجعه رمضان آهنا شد، از چه بازیگرانی در تئاتر تاثیر گرفتید؟

■ همانطور که گفتم در نمایش فاجعه رمضان کسانی مثل حالتی، گرمسیری و سارنگ بازی می‌کردند، آقای سارنگ، آقای نقشینه، آقای اکبر مشکین، کار این‌ها سخت روی من تأثیر گذاشت، صداقت، بازی قوی و از یک طرف جنبه‌های حقوقی که در متن کار وجود داشت.

از نظر اخلاقی باید از زنده یاد عطاءاله زاهد نام ببرم. کسی که تأثیرات اخلاقی زیادی روی من گذاشت، می‌توانم به صراحت بگویم که از نظر اخلاقی مثل ایشان نداشتم. با وضو وارد صحنه می‌شده، چرا که صحنه را مکانی مقدس می‌دانست و نه جایی برای رقاصی. متأسفانه تئاتر خوب آن دوره به دلیل وارد شدن فیلم‌های خارجی و دوبله آن‌ها و ساخت فیلم‌های مبتذل ایرانی جذابیت خود را از دست دادند و بسیاری از هنرمندان تغییر شغل دادند. از ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ حرکت دیگری در تئاتر بوجود آمد. از ۲۹ مرداد ۳۲ نمایش آمریکا آمریکا روی صحنه رفت که شروع کارهای کاباره‌ای بود و در واقع یک حرکت سیاسی که از طریق تئاتر وارد شد.

اگر چه به ظاهر این حرکت‌ها تئاتر اصیل را با مشکل مواجهه کرد، اما به عقیده من هیچ چیز قادر نیست جلوی هنر اصیل و ناب را بگیرد. فردوسی در شرایطی شعر گفت که ۴۰۰ شاعر مدیحه‌گو در دربار سلطان محمود بوده‌اند. حافظ شعر گفت در شرایطی که سلاطین جباری در فارس حاکم بودند. یا مثل حالا که مثلاً در سینما لومین‌های اقتصادی حاکم شده‌اند، اما خوب سینما که از بین نمی‌رود.

□ آخرین نمایشی که کار کرده‌اید؟

■ سال ۵۸ یا ۵۹ بود، در اداره تئاتر که بودم قرار بود آقای صادق هانفی نمایشی به نام ولد کشته را روی صحنه ببرد، نقش کوتاهی در این نمایش بود که کسی حاضر نبود بازی کند. یک زاندارم بود که من پذیرفتم بازی کنم و پس از آن دیگر کاری صحنه‌ای نداشتم.

□ چرا؟

■ از سال ۵۸ منازعت گرفتم و همین مسئله باعث شد که گهگاه دچار ناراحتی حنجره بشوم و طبیعی است که در کار بازیگری این مسئله مشکل ایجاد می‌کند. خیلی دلم می‌خواست که دوباره روی صحنه بروم، این مسئله را هم خیلی جدی می‌گویم، بارها نیز گفته‌ام. آرزویم همیشه این بوده که با بچه‌های تئاتر باشم. به عقیده من حتی بی‌سوادترین بازیگر تئاتر از بهترین‌های سینما بهتر است چرا که در تئاتر مطالعه، تجزیه و تحلیل وجود دارد. امروز شما اگر قرار باشد دشمن مردم اثر ایسن را به صحنه ببرید، نیاز به مطالعه و تحقیق دارید. همین مطالعه به دانش شما می‌افزاید. در سینما چنین چیزی

وجود ندارد، نه روحانی نه تحلیل و نه اینکه کارگردان سینما چیزی را قبول می‌کند، در حالیکه در تئاتر بحث وجود دارد، جدل وجود دارد و کارگردان به حرف بازیگر گوش می‌دهد. در تئاتر چون پول حکومت نمی‌کند. بچه‌ها زلال تر و پاک‌تر هستند. اما در سینما مادیات حکومت می‌کند.

□ در میان تئاترهایی که کار کرده‌اید از کدام یک بیشتر احساس رضایت می‌کنید؟

■ آندورا، مرده‌های بی‌کفن و دفن - چوب به دست‌های ورزیل، پایان آهنگ (عباس مغفوریان) - در گوش سالم زمزمه کن، به کارگردانی جعفر والی. از کارگردان با کسانی چون سمندریان، رکن‌الدین خسروی و جعفر والی احساس خوبی دارم.



□ سینما را چطور شروع کردید؟

■ سال ۴۲ بود، نمایش مرده‌های بی‌کفن و دفن نوشته ژان پل سارتر را به کارگردانی حمید سمندریان کار می‌کردیم. خدا بی‌امرز پرویز فنی‌زاده هم بود و سعید پور صمیمی به عنوان دستیار کارگردان در آن نمایش کار می‌کرد. یک روز آقای ابراهیم گلستان برای دیدن نمایش به انجمن ایران و فرانسه آمدند و کار را دیدند، خیلی از کار خوششان آمد. در آن نمایش آقایان منوچهر فرید و محمدعلی کشاورز هم بازی می‌کردند. شبی که آقای گلستان همه گروه را دعوت کرده بود. طرح فیلم ایشان هم مطرح شد. ایشان آشنایی کاملی با سینما داشت و در زمینه سینمای مستند هم کار کرده بود. خانم فروغ فرخزاد هم با ایشان همکاری داشت. در واقع بازیگری جلوی دوربین را آقای گلستان به ما آموزش داد. و هژیر داریوش یک فیلم ۲۰ دقیقه‌ای به نام جلد مار داشت که در آن هم بازی کردم.

پس از آن در سال ۴۸ آقای داریوش مهرجویی یکی از

چیزی که زنده یاد آل احمد می نوشتند، بیشتر یک نقد حسی بود، نه به عنوان منتقد حرفه ای تئاتر، اما در همین حال نیز وقتی ایشان برای دیدن نمایش می آمد، ما می ترسیدیم که مبدا چیزی بنویسد و فردا همه چیز به هم بخورد.

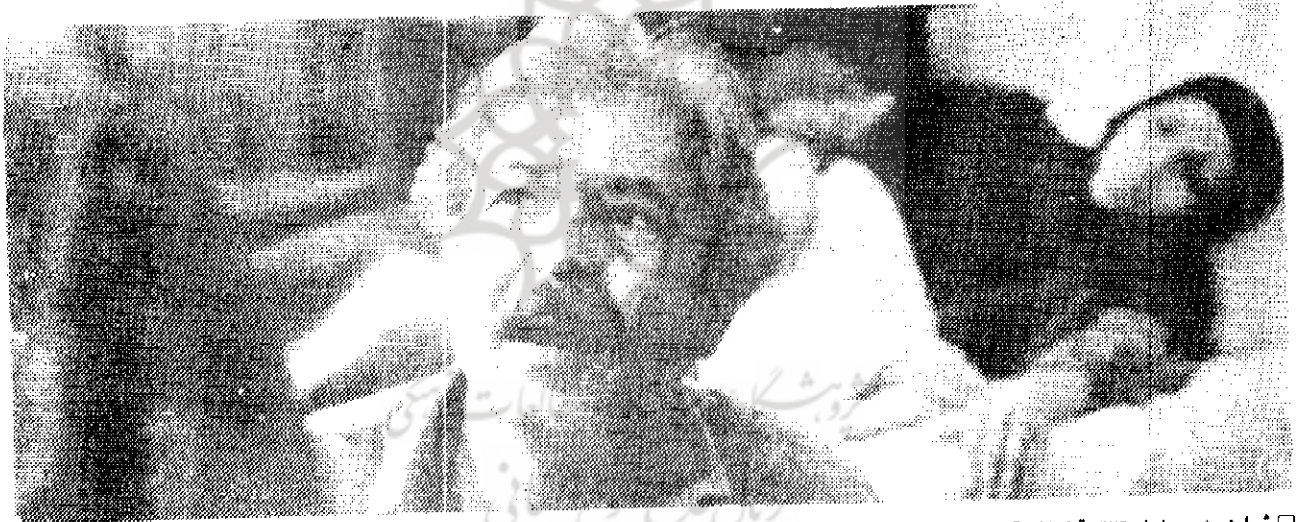
من سعی کرده ام همواره در زندگی تا جایی که امکان داشته است در خدمت خانواده باشم.

از کارگردان با کسانی چون سمندریان، رکن الدین خسروی و جعفر والی احساس خوبی دارم.

داستان های عزاداران بیل نوشته آقای ساعدی را برای کار انتخاب کرد. فیلم گاو، یک داستان تک محوری داشت و قرار شد در آن آقای انتظامی، فنی زاده، دولت آبادی، والی و بنده بازی کنیم. نقش من در فیلم گاو نقش بی رنگی بود که خیلی با آن نمی توانستم ارتباط داشته باشم اما آقای مهرجویی گفت که دوست دارم تو بازی کنی. بعد از آن فیلم قیصر ساخته آقای کیمیایی بود. ابتدا نقش فرمون را برای من در نظر گرفتند و آقای کشاورز قرار بود خان دایی را بازی کنند. در آن دوره در اداره تئاتر اجازه نمی دادند کسی کار سینما بکند قرار شد عباس جوانمرد بیاید که ایشان هم گرفتار بود و نشد. روزی رفته بودم آریانا فیلم، کیمیایی گفت کشف کردم، شما را می گذاریم برای بازی در نقش خان دایی و قرار شد ناصر ملک مطیعی نقش فرمون را بازی کند.

بدهد که به خاطر ارتباط پولی با تهیه کننده و کارگردان بازیگر شود. این مشکل در تلویزیون هم وجود دارد. من یادم می آید که به آقای فریدزاده که قبل ها مدیر شبکه بودند، پیشنهاد دادم اجازه ندهند که هرکسی در تلویزیون بازی کند، ایشان پذیرفتند و حسن نیت داشتند. تلویزیون بیننده زیادی دارد و اگر قرار باشد هرکسی وارد حرفه بازیگری بشود که منطقی نیست. خیلی از تهیه کنندگان برای این که پول کمتری بدهند می روند سراغ آبدارچی ها و کسانی که کارشان بازیگری نیست، شما حالا می بینید که آبدارچی های تلویزیونی آرتیست شده اند و در بیرون دانشجویان تئاتر بی کار می گردند.

هر چند که وارد بحث سینما شده ایم، اما سوال دیگری به ذهن من رسید که بد نیست شما جواب بدهید، آقای مشایخی چرا تئاتر در مقابل سینما توانسته است جذب تماشاچی کند؟



شما هم در سینما و تئاتر قبل از انقلاب حضور داشته اید و هم در سال های پس از انقلاب، نظر تان در این مورد چیست و چه تفاوت هایی می بینید؟

در سینما من فکر می کنم بیشتر به خود محوری فیلم ها بر می گردد. فیلم های آن دوره کپی از فیلم های ترکی و هندی و امریکایی بود. پرسوناژها کمتر ریشه در این سرزمین داشتند. اینها صرف نظر از رعایت نکردن مسائل اخلاقی بود. من خوشحال هستم که بعد از انقلاب این مسائل از بین رفته و هنرمندان خوب سینما که در واقع هنرمندان تئاتر بودند جذب شدند. اما نخب یک اشکال اساسی حالا وجود دارد. متأسفانه الان هرکسی پولدار است آمده بازیگر شده. فلان کس صرفاً به خاطر پول و در حالی که استعداد ندارد بازیگر سینما شده است. حرمت هنر بازیگری از بین رفته است.

علت این است که ما در کارمان افراط و تفریط می کنیم. ما باید مرحله به مرحله این راه را طی می کردیم. یک وقتی یک نمایش ضعیف و وحشتناک عامه پسند می آوریم و زمانی دیگر کاری از بکت و یونسکو و... خوب فاصله این ها زیاد است. ما هیچوقت حد وسط را رعایت نکردیم. تئاتری که جذاب باشد و در عین حال مبتذل هم نباشد. فرم های من در آوردی هم مزید بر علت می شود. کسی که می آید یک کاری انجام می دهد و بعد هم همه به دنبال او راه می افتند. الان شما اگر دشمن مردم ایسرا را بگذارید جذاب نیست؟

آقای مشایخی در میان فیلم هایی که بازی کرده اید و همین طور کارگردان هایی که با آن ها همکاری داشته اید، کدامیک را می پسندید؟

در میان فیلم ها، کمال الملک، سوت دلان، سازه احتجاب، طلسم، قیصر، آوار، نفرین و خانه عنکبوت و با آقای علی حاتمی بیشتر از همه کار کرده ام. با ناصر تقوایی یک فیلم بیشتر کار نکردم و متأسفانه

چه پیشنهادی برای رفع این مشکل دارید؟

مراکزی مثل انجمن بازیگران و یا مسئولین و صاحب نظران بیایند و جلوی ورود این آدم ها را بگیرند. هرکسی نتواند به خودش اجازه



**ما باید به جایی برسیم که حرف مخالفین عقیده‌مان را
گوش کنیم و به آن بها بدهیم. در این صورت شاهد
بوجود آمدن مدینه فاضله هستیم.**

نکند و... چه بسا افرادی در جشنواره‌ها جایزه گرفتند و دیگر حتی خدا را بنده نبودند در حالی که اگر هیأت داوری عوض می‌شد ممکن بود جایزه به کس دیگری تعلق بگیرد. به نظر من مهمترین چیزی که باعث ارضای انسان می‌شود، تأثیر حرکت و خدمت انسان در جامعه است.

□ و سنوآل آخر، بازیگری در تئاتر و سینما چه تأثیری در زندگی خصوصی شما دارد؟

■ جواب دادن به این سنوآل مشکل است. سال‌ها کوشش کردم تا به همسرم تفهیم کنم که برای این حرفه ارزش قائل هستم و حاضر نیستم این حرفه لطمه ببیند، آن هم با سوء استفاده‌هایی که ممکن است به واسطه شهرت ایجاد شود. شهرت یک مشکل است و اگر بتوانی این سد را بشکنی راحت می‌شود. شهرت برای خیلی‌ها بوده، آمده‌اند و رفته‌اند و هر چند صباچی برای کسی است. در تئاتر دوری از خانواده کمتر وجود دارد، اما در سینما بارها شده است که مجبور بودم حتی تا یکی دو ماه از خانواده دور باشم. خوب به هر حال یک نیاز عاطفی وجود دارد که حتی اگر از نظر مالی نیز انسان با مشکل روبرو نباشد از نظر عاطفی و ارتباط خانوادگی نیاز وجود دارد و من سعی کرده‌ام همواره در زندگی تا جایی که امکان داشته است در خدمت خانواده باشم.

□ با تشکر از این که وقت خودتان را در اختیار مجله سینما تئاتر قرار دادید، برای شما آرزوی موفقیت می‌کنم.

■ بنده هم تشکر می‌کنم.

کار دیگری پیش نیامد. آدم جلوی دوربین داوود میرباقری راحت است. آقای داربوش فرهنگ آدمی است که کارش را می‌شناسد و می‌داند چکار می‌خواهد بکند و در عین حال تسلط دارد. از اخلاق و رفتار و صفات انسانی حمید آشتیانی پور لذت بردم. چیزی که یک هنرمند باید داشته باشد یعنی اخلاق، و مخملباف یکی از مطرح‌ترین سینماگران ماست حالا چه من از ایشان خوشم بیاید و چه نه، به هر حال آدم مطرحی است.

بدنیست اشاره‌ای هم به یکی از نقش‌هایی که بازی کردم و از آن به شدت بدم می‌آید، داشته باشم، فیملی بود به نام ذبیح.

نظرتان درباره سینمای ایران و جوایزی که در جشنواره‌های خارجی به دست آورده چیست؟

■ درست است که انسان در هر سنی احتیاج به تشویق دارد، اما بعضی اوقات این جوایز باعث می‌شود که هنرمند در جا بزند. کسی را قبول

اشتراک سینما تئاتر

اشتراک مجله، بهترین شیوه دریافت مجله است، شما با مشترک شدن مجله سینما و تئاتر خیالتان برای یکسال آسوده است، چرا که علیرغم افزایش هزینه‌های سرسام‌آور، کاغذ و چاپ و حروفچینی و... قیمت مجله برای شما در طول سال همان مبلغ ثابت باقی خواهد ماند.

از سویی اشتراک مجله، بالاخص در نزد علاقمندان و هنرمندان تئاتر و سینما به نوعی پشتوانه‌ای است مالی و فرهنگی برای مجله نوپای سینما و تئاتر. پس با مشترک شدن و قرار گرفتن در جمع خانواده سینما و تئاتر ما را در این کار مهم فرهنگی و هنری یاری دهید.

شرایط اشتراک:

- لطفاً برای اشتراک مجله سینما و تئاتر فرم اشتراک را پر کرده و به همراه مبلغ اشتراک به نشانی مجله ارسال نمایید.
- فتوکپی فرم اشتراک نیز پذیرفته می‌شود.
- بهای اشتراک مجله: دوازده شماره در سال ۷۳، ۱۶۰۰۰ ریال در ایران
- اروپا و امریکا ۲۱۰۰۰ ریال
- سایر کشورها ۲۰۰۰۰ ریال

برای عضویت در خانواده سینما و تئاتر، می‌توانید مبلغ موردنظر را به حساب شماره ۴-۲۹۸۹۵ بانک ملت - شعبه مرکزی (قابل پرداخت در کلیه شعب بانک‌های ملت) واریز و اصل فیش بانکی را به همراه فرم اشتراک یا فتوکپی آن به آدرس: تهران - صندوق پستی ۵۷۷۸-۱۴۱۵۵ ارسال نمایید.

لطفاً پشت پاکت حتماً عبارت «بخش اشتراک سینما تئاتر» قید شود.

فرم اشتراک
سینما تئاتر

نام و نام خانوادگی سن شغل

میزان تحصیلات

کد پستی

نشانی

شماره اشتراک

اشتراک از شماره تا شماره

مطمئن باشید مشترکین مجله راحت‌تر، بی‌دردسرتر و زودتر از دیگران

مجله را دریافت خواهند کرد.